بسم الله الرحمن الرحیم
MRTsoft

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.

دانشگاه رازی

دانشکده ادبیات فارسی

پایان‌نامه

جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته ادبیات فارسی

عنوان

بررسی ساختار قصه‌های هزار و یک شب

استاد راهنما:

دکتر قهرمان شیری

پژوهشگر:

پراو محمودی

زمستان ۸۸

تقدیر و تشکر

از استاد عزیز و محترمم جناب آقای دکتر قهرمان شیری که در راه این تحقیق مرا راهنمایی کرده‌اند، نهایت سپاس و تشکر را دارم.

و همچنین از تمامی کسانی که به نحوی در انجام این پروژه مرا یاری نموده‌اند، نهایت تشکر و قدردانی رادارم.

تقدیم به دختر گلم

یسنا

چکیده

تحلیل ساختاری قصه‌های هزارویک شب براساس روش مشهورترین ساختارگرایان جهان(پراپ، تودورف، گرماس، ژنت، و برمون) موضوع این پایان نامه است. هدف ازاین پژوهش، بررسی حکایت‌های هزار ویک شب براساس روش این ساختارگرایان وتعیین میزان تطابق حکایت‌ها با تئوری‌های روایت شناسی آن‌ها است. برای انجام این تحقیق، ابتدا به مطالعه دقیق روش‌ها و پس ازآن مطالعه‌ی کامل قصه‌ها پرداخته شد ودرمرحله‌ی بعد حکایت‌ها با دید نقادانه به دقت بررسی گردیدند تا مشخص شود کدام حکایت درکدام نظریه و روش می گنجد ودرمرحله‌ی نهایی به تطبیق هر روش با قصه‌ها وتحلیل ساختاری آنها پرداخته شد. دراین بررسی این نتیجه‌ی کلی به دست آمد که حکایت‌های هزار و یکشب با وجود حاکمیت هنر قصه گویی درکلیت آن، ازتنوع و گوناگونی برخوردارند وهمین تنوع باعث شده است تا بتوان با روش های مختلف آن‌ها رابررسی کرد؛هرچند که تطابق کامل روش‌ها برروی تک تک قصه‌ها امکان پذیر نیست .

گاهی قسمت بیشتر یک قصه با یک روش ساختاری مطابقت دارد اما مطابقت صد در صد بین قصه‌ها و نظریه‌های روایت به ندرت حاصل می‌شود. اغلب این قصه‌ها، هم با وضعیت آغازین پراپ، هم با حالت تعادل و گذار تودورف، هم با نیروی قهرمان و مخالف گرماس، هم با روایت وعنصر تکرار ژنت، و هم با کنش و فاعل و مفعول بودن شخصیت‌های برمون تطابق کامل دارد.

واژگان کلیدی: روایت، هزار و یکشب، ساختار، پراپ، تودورف، گرماس، ژنت، برمون

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

فصل اول:مباحث نظری

ساختارگرایی ۲

داستان/قصه ۵

انواع قصه ۱۲

هزارویک شب ۱۵

فصل دوم:تحلیل ساختاری قصه های هزار و یک شب

بخش اول:بررسی ساختارقصه هابر اساس روش پراپ ۲۳

بخش دوم:بررسی ساختارقصه ها براساس روش گرماس ۴۱

بخش سوم:بررسی ساختارقصه ها براساس روش برمون ۵۷

بخش چهارم:بررسی ساختارقصه ها براساس روش ژنت ۷۱

بخش پنجم:بررسی ساختارقصه ها براساس روش تودوروف ۸۸

فهرست منابع ۱۰۴

چکیده انگلیسی ۱۰۶

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

هزار ویک شب یک اثر جهانی است. اثری که ازمرزهای مختلف گذشته و دچارتغییر وتحول گردیده است.این اثرازفرهنگ های هند، ایران و اعراب نشأت گرفته است . اثری است که برپایه قصه گویی بنا شده وموضوع بیشتر حکایت هایش همین قصه گویی است . قصه گویی که باعث نجات شخصیت هایش می شود. اما این اثر جهانی با وجود غنی بودنش مورد بی مهری و بی لطفی قرارگرفته است وکمتر به جنبه های مختلف آن پرداخته شده است.

کتاب هزارویک شب به اندازه ای وسیع است که می توان آن را از جنبه های مختلف تصویری،ادبی،اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه،اشعار موجود درآن،شخصیت هاوازجنبه های بسیار دیگری بررسی کرد.قطعابررسی این دریای عظیم در سطح یک پایان نامه ی کارشناسی ارشد نمی گنجد و گستره‌ای بسیار وسیعتر می طلبد.به عنوان مثال بررسی شخصیت زن در این کتاب در حد یک کتاب کامل است.بیشترشخصیت های این اثرچه زن و چه مرد زیبا رویانی هستندکه درموسیقی وشعردست توانایی دارند و حوادث شگفت انگیزی رابه وجود می آورندوهمین حوادث خواننده رابا دریایی از شگفتی ها روبرو می‌کند.اماچون در این تحقیق هدف بررسی ساختاری قصه های هزار و یک شب بر اساس نظریه‌ی مشهورترین ساختار گرایان جهان است ، تنهابه بررسی این موضوع پرداخته می شود و از آن جا که در این زمینه سرمشق و نمونه ی کاملی در پیش رو وجود نداشت، کوشش‌های فراوان ما در این باب، به احتمال زیاد از کاستی هاونارسایی های بسیار به دور نیست که امیدوارم در طی زمان توسط بنده یا افراد دیگری کامل گردد.

پژوهش حاضرشامل دو فصل است.فصل نخست آن توضیحی است در باب مفاهیم بنیادی چون ساختار و قصه، و فصل دوم به بررسی حکایت ها براساس روش ساختارگرایان مشهور(پراپ،گرماس،تودورف،ژنت وبرمون)می پردازد.

درپایان جا دارداززحمات و راهنمایی های مدبرانه استاد ارجمندم جناب آقای دکترقهرمان شیری صمیمانه قدردانی کنم.همچنین ازسایراساتید محترم گروه ادبیات فارسی به خصوص جناب آقای دکتر مبارک ،خانم دکترجبری وآقای دکتر طاهری که درطول دوران تحصیل مشوق و راهنمای بنده بودند سپاسگزاری می‌کنم.وهمچنین ازدلسوزی ها و فداکاری های مادرعزیز و همسربزرگوارم نهایت تشکر را دارم.

فصل اول

مباحث نظری

ساختار گرایی

ساختار (structure) در لغت به معنی اسکلت و استخوان بندی است و در اصطلاح نقد ادبی به طور کلی به شیوه ی اتصال و ارتباط میان عناصر و اجزاء سازنده اثر ادبی اطلاق می شود . ساختار مانند ریسمانی است که بدون دیده شدن، دانه های تسبیح را ردیف می کند، یا مثل استخوان بندی بدن انسان است که اندام انسان را می سازد . [1]

مکتب ساختار گرایی نام علم خاصی نیست، بلکه نام روش جدیدی است که از اوایل قرن بیستم به بعد تدریجاً به تمام علوم انسانی و حتی علومی مانند ریاضیات و زیست شناسی بسط پیدا کرده است. ویژگی این روش در آن است که پژوهشگر، پدیده های گوناگون را به طور جداگانه و مستقل از یکدیگر مورد مطالعه قرار نمی دهد، بلکه همواره می کوشد تا هر پدیده را در ارتباط با مجموعه ی پدیده‌هایی که آن پدیده جزیی از آنهاست بررسی کند. از این دیدگاه، هر پدیده‌ای، جزئی از یک کل یا ساختار است و تنها در درون آن ساختار، می توان آن پدیده را به طور صحیح و کامل فهمید. [2]

ساختار گرایی به عنوان نظریه ای درباره ی شکل و ساختار از نیمه دوم سده حاضر به نحو چشمگیری رواج یافت. سر آغاز پیدایش ساختار گرایی را از انتشار " دوره زبان شناسی همگانی " فردینان دوسوسور در سال ۱۹۱۶ تعیین می کنند . اما عده ای معتقدند که مبانی مطرح شده از سوی سوسور قبل از او هم در آرای کسانی مثل هردر (Herder) ، هومبولت (Humboldt) و یا حتی رواقیون یونان باستان نیز دیده می شود. اما اهمیت کار سوسور در منظم ساختن این آرا است.

ساختگرایی به طور کلی کوششی است در جهت به کار بستن نظریه زبانی در زمینه ی موضوعات و فعالیت های غیر زبانی .ساختگرایی در بررسی‌های داستان شناختی انقلاب بزرگی پدید آورد . بنیان گذاری علم ادبی کاملا جدیدی به نام روایت شناسی یکی از محصولات اساسی این انقلاب بود؛ که آ.ج . گریمای لیتوانیایی (A.J.Greimas)، تزوتان تودوروف بلغاری(TZvetan Todorov)، ژرار ژنت(Gerard Genette)، کلود برمون(Claude Bremond)و رولان بارت فرانسوی(RoLand Barthes) از چهره های نامدار آن به شمار می روند .

ساختگرایی ادبی در دهه‌ی ۱۹۶۰ شکوفا شد و در آغاز، کوششی بود به منظور به کار بستن روشها و دریافتهای فردینان دو سوسور ، بنیان گزار زبانشناسی ساختاری نوین در عرصه‌ی ادبیات.[3] تحلیل ساختار گرایانه بر آن است تا مجموعه قوانینِ شالوده ای ناظر بر ترکیب نشانه ها و رسیدن به یک معنا را استخراج کند .

---

[1] . فرهنگ اصطلاحات ادبی ، یسما داد ، ص ۲۷۴ .

[2] . سرچشمه های داستان کوتاه فارسی ، ترجمه احمد کریمی ، ص ۲۱۷، از کتاب تحلیل ساختاری منطق الطیر عطار ، اکبر اخلاقی ، ص ۲۰ .

[3] . پیشدرآمدی بر نظریه ادبی ، ص ۱۳۳.

ساختارگرایی ادبی را از لحاظ تاریخی به دو مرحله ی مشخص تقسیم می کنند: نخست جنبش شکل گرایی یا فرمالیسم روسی در نخستین دهه های سده بیستم که موضوع اصلی پژوهش آن، شکل اثر ادبی بود ؛ و سپس ساختار گرایی نوین که از نیمه‌ی دوم این سده در فرانسه گسترش یافت و بررسی ساختاری متن ادبی از دستاوردهای آن بود. [1]

شکل گرایی روسی از دو انجمن ادبی زاده شد: اولین آنها " انجمن زبانشناسی مسکو " بود که در سال ۱۹۱۵ به ابتکار چند دانشجو به ریاست رومن یا کوبسن(Roman Jacobson) در مسکو تشکیل گردید . و دومی " انجمن پژوهش زبان شعری " بود که در سال ۱۹۱۷ با همکاری یاکوبینسکی ، شکلو فسکی ، بوریس آیخن باوم در پتروگراد تاسیس شد . این دو انجمن دارای دو ویژگی مشترک بودند : یکی، علاقه به زبان شناسی و دومی، عشق به شعر مدرن؛ و تا پایان فعالیت با یکدیگر همکاری داشتند. جنبش شکل گرایی زیر فشار های رژیم استالین ، که این مکتب را مخالف با مارکسیسم می دید در سال های آخر دهه ی ۱۹۲۰ منحل شد و کانون مطالعات آن به چک و اسلواکی منتقل شد و به اسم " انجمن زبانشناسی پراگ " به فعالیت خود ادامه داد . شکل گرایان روسی " خود متن " را به عنوان موضوع اصلی بررسی‌های خود قلمداد کردند، و توجه به زمینه های تاریخی و اجتماعی و ... که باعث به وجود آمدن اثر شده است را در مرحله دوم اهمیت قرار دادند . و برای توضیح متن ادبی تنها از عناصر موجود در داخل متن بهره بردند .

شکل از نظر شکل گرایان در برابر محتوا قرار نمی گرفت بلکه شکل در نظر آنان به هر عنصر ادبی دلالت داشت که نقشی در کل نظام اثر ایفا می‌کرد .

نویسندگان " مکتب زبانشناسی پراگ " که نماینده‌ی نوعی انتقال از شکل گرایی به ساختار گرایی نوین به شمار می روند، اصطلاح "ساختار " را به کار گرفتند و بیش از شکل گرایان به وحدت ساختاری اثر تاکید کردند . آنها اندیشه های شکل گرایان را پروردند، اما آن را با استواری بیشتر در چارچوب زبانشناسی سوسوری منظم کردند .

سه نکته را می توان درباره ی ساختگرائی خاطر نشان کرد. اول ، از دیدگاه ساختگرایی اهمیتی ندارد که این داستان نمونه ای از ادبیات طراز اول باشد یا نباشد . این مکتب، در مقابل ارزش فرهنگی موضوع مورد بررسی خود ، کاملاً بی تفاوت است . هر چیزی از " جنگ و صلح " گرفته تا " هلهله ی جنگ " قابل بررسی است ؛ روش آن تحلیلی است نه ارزیابی کننده . دوم ، ساختگرایی مواجهه ای حساب شده با شعور متعارف است . ساختگرایی ، معنای آشکار داستان را رد می کند و به جای آن در پی جدا کردن برخی ژرف ساختهای درونی آن که در سطح به چشم نمی خورند، بر می آید . متن را با ارزش ظاهری آن در نظر نمی

[1] . تحلیل ساختاری منطق الطیر عطار ، اکبر اخلاقی ، ص ۲۲ .

گیرد بلکه آن را با چیزی از نوعی کاملاً متفاوت جایگزین می کند .سوم ، اگر محتوای خاص متن قابل جایگزین کردن باشد ، پس به تعبیری می توان گفت که محتوای روایت همان ساختار آن است . [1]

یکی از آثار برجسته در زمینه تحلیل ساختاری داستان کتاب "ریخت شناسی قصه" از ولادیمیر پراپ است . کار اصلی تحلیل ساختاری به شامل این موارد است : مشخص کردن اجزاء و عناصر تشکیل دهنده ی ساختار اثر ، بررسی روابط و مناسبات میان آنها و چگونگی ترکیب آنها با یکدیگر و شناخت صورت های دلالتگری که وجود معنا را امکان پذیر می کند.اما باید دانست که این تجزیه و تحلیل ساختگرایانه محدود به قصه های عامیانه نیست . این روش را می توان درباره ی هر موضوعی در فولکلور به کار بست .

تحقیق حاضر بررسی قصه های هزار و یک شب بر اساس روش تحلیلی چهره های نامدار ساختار گرایی ؛ ولادیمیر پراپ ، گریما ، تودوروف ، ژنت و برمون است . قبل از بررسی قصه ها بر اساس روش هرکدام از این محققان ، ابتدا مختصری از زندگینامه و روش آنها ارائه می گردد .

نکته قابل ذکر در اینجا این است که بر اساس مطالعه مکرر قصه های هزار و یک شب در این تحقیق این نتیجه به دست آمد که تمام قصه ها را نمی توان با یک روش واحد مورد تحلیل قرار داد .

بلکه بعد از خواندن قصه و آشنایی با روشها ، ممکن است نهایتاً دو روش بر روی یک قصه قابل اجرا باشد.بنا بر این برای پرهیز از هر گونه بیهوده کاری، پس از مطالعه‌ی قصه‌های بسیار، از میان آنها، برای انطباق با روشهای خاص هر نظریه پرداز، پنج نمونه‌ی مجزا برای هر کدام از نظریه ها انتخاب و بر اساس روشهای رایج در آن، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

گردآوری کنندگان قصه‌ها

اولین کسانی که قصه ها ی عامیانه را گردآوری کردند ، برادران گریم (ویلهلم و یاکوب) بودند، که این قصه‌ها را در سال های ۱۸۱۲ – ۱۸۱۴ در دو مجلد منتشر ساختند . آنها قصه ها را از روی روایت های شفاهی و از زبان قصه پردازان گردآوری کردند. در آغاز قصه ها را آن گونه که شنیده بودند، با حفظ همه ی جزئیات نقل می کردند اما در چاپ های بعد آنها را ویراسته کردند و منتشر ساختند. شکل اصلی قصه ها در ضمن چاپهای مختلف دستخوش تغییر گردید . محتوای قصه ها ، آشنا و خودمانی بود و دلیل آن هم به سادگی و معمولی بودن قصه ها باز می گشت .

برادران گریم با جمع آوری و نسخه برداری و انتشار قصه های مردمی که در آن زمان هنوز در سرزمین های آلمانی متداول بود بر آن شدند که پیش از آنکه این قصه ها به کلی از صحنه ی تاریخ محو شوند، آنها را از ظلمت نسیان نجات بخشند.[2]

---

[1] . پیشدرآمدی بر نظریه ادبی ، تری ایگلتون ، ترجمه عباس مخبر ، ص۱۳۲.

[2] – کاربردهای افسون دکتربرنوبتلهایم ترجمه وتوضیح از:دکترکاظم شیوارضوی ص۵۸۷.

در نتیجه فعالیت ، این دو برادر ، دویست قصه را گرد آوری کردند . حرکت برادران گریم جنبشی در دنیای قصه و گرد آوری قصه های عامیانه بوجود آورد و علاقه مندان از گوشه و کنار جهان به بررسی قصه و گردآوری قصه های عامیانه پرداختند . البته بیشتر این دانشمندان بر خلاف برادران گریم ، معتقد بودند که قصه ها باید به همان شیوه که نقل شده اند بدون هیچ گونه تغییر و ویراستاری، به چاپ برسند .

داستان / قصه (Story)

لغت داستان در زبان فارسی به معانی مختلفی چون قصه ، حکایت و افسانه به کار رفته است . بنابراین داستان در ادبیات، اصطلاحی عام است و شامل آثار منثوری می شود که از ماهیت تخیلی برخوردار باشند. این آثار عبارت اند از: قصه ، افسانه، رمان ، رمانس ، داستان کوتاه و بلند و انواع وابسته به آنها. هر کدام از اینها هم خود اقسامی دارند به شرح زیر :

- قصه :

اسطوره : مثل آناهیتا

حکایت اخلاقی : مانند گلستان سعدی

افسانه تمثیلی : مانند مرزبان نامه

افسانه پریان : مانند قسمتهایی از هزار و یک شب

افسانه پهلوانان : مانند سمک عیار

- رمان :

رمان کوتاه

ناولت

رمان

- رمانس :

رمانس روستایی (شبانی)

رمانس شهسواری

رمانس عاشقانه

- داستان کوتاه :

داستانک (داستان کوتاه کوتاه)

داستان کوتاه (نوول)

داستان بلند

در اینجا به معرفی مختصری از موارد بالا اکتفا می کنیم و فقط قصه را کاملاً مورد بررسی قرار می دهیم .

همه ی شاهکارهای ادبی دنیا در وهله ی اول سرگرم کننده هستند و بعد آموزنده . در آفرینش هر اثر ادبی سه عامل مهم و کلیدی دخالت دارند : سرگرم کنندگی ، آموزندگی و جنبه های فنی (تکنیک) .اگر این سه عامل در حد تعادل و تناسب با هم بیایند ، موفقیت اثر تضمین شده است .

داستان کوتاه (Short story) :

داستان کوتاه به شکل امروزی در قرن نوزدهم ظهور کرد . اولین بار ادگار آلن پو ، نویسنده آمریکایی در سال ۱۸۲۴ اصل انتقادی و فنی خاصی را ارائه داد و بواندر ماتیوز (۱۸۵۲-۱۹۲۹) اصطلاح داستان کوتاه را پیشنهاد کرد . آلن پو و گوگول پدران داستان کوتاه به مفهوم امروزی آن هستند.[۱]

در داستان کوتاه که برشی از یک زندگی است ، شخصیت ها پیش از آغاز داستان تکوین یافته اند ، داستان فقط آنها را در زمان خاصی از زندگی عاطفی شان نشان می دهد . از نظر کمی تعداد واژگان داستان کوتاه از ۵۰۰ کلمه تا ۱۵۰۰۰ کلمه است .

رمانس (Romance):

در قرن های نخستین میلادی به قصه های بومی و ملی و خیالی منظوم کشورهای اروپایی گفته می شد که شرح حادثه ها و شخصیت های غیر عادی ، صحنه های عجیب و غریب ، ماجراهای شگفت انگیز و عشق های احساساتی و پرشور و اعمال سلحشورانه بود . رمانس در ابتدا به شکل منظوم بود و بعدها به نثر نیز درآمد و تحت تاثیر قصه های شرقی به خصوص هزار و یک شب گسترش و تکامل یافت .

امروزه رمانس به آثاری گفته می شود که در آن نویسنده به تخیل خود پر و بال می دهد . رمانس در ادبیات فارسی با مشخصات خاص داستانی و خاستگاه آن عیناً وجود ندارد اما بسیاری از خصوصیات قصه های بلند فارسی را داراست و همچون این قصه ها بر محور حوادث می گردد و کمتر به محیط اجتماعی و ویژگی ذهنی و روحی شخصیت توجه دارد و مانند آن ها از حادثه های استقلال یافته شکل گرفته است .

رمان (Novel):

رمان با دن کیشوت اثر سروانتس اسپانیایی (۱۵۴۷-۱۶۱۶) تولد یافت . رمان در حقیقت روایتی نسبتاً طولانی از حوادث واقعی زندگی و بیان بحرانهای عاطفی زندگی شخصیت هاست، خواه زن یا مرد .از نظر کمی تعداد کلمات رمان از ۳۰ الی ۴۰ هزار کمتر نیست .

قصه (Tale) :

[۱]- چهل داستان کوتاه ایرانی ازچهل نویسنده معاصرایران به کوشش دکترحسن ذوالفقاری انتشارات نیما ۱۳۸۲ص سه.

قصه که جمع آن درزبان تازی قصص واقصیص می باشد ،به آثار خلاقه ای گفته می شود که در آن ها تاکید بر حوادث خارق العاده بیشتر از تحول و تکوین شخصیت ها و آدم هاست . در قصه محور ماجرا بر حوادث خلق الساعه می گردد . حوادث ، قصه ها را به وجود می آورد ، شخصیت ها در قصه کمتر دگرگون می شوند و بیشتر دستخوش حوادث و ماجراهای گوناگونند ، قصه ها اغلب پایان خوشی دارند و معمولاً دارای پیرنگی ضعیف هستند ، قصه ها از حوادث واقعی ، غیر واقعی و تصادفی به وجود آمده اند .[1]

قصه تاریخچه ای قدیمی دارد ، مصری ها اولین ملتی هستند که قصه را به ادبیات جهان هدیه کردند. قصه ها یی از مصر مربوط به حدود چهل هزار سال پیش از میلاد مسیح باقی مانده است . بعد از مصری ها ، ادبیات آشوری – بابلی از جمله منظومه گیلگمش ، قدیم ترین قصه به جا مانده است که قدمت آن به دوهزار سال پیش از میلاد مسیح می رسد .

بسیاری از قصه ها منشا هندی دارند مثل طوطی نامه . چین و یونان هم به نوبه خود در پیشبرد ادبیات داستانی نقش داشته اند .در ایران پیش از اسلام هم قصه ها یی منثور و منظوم به جا مانده است . در زمان انوشیروان بسیاری از افسانه های ایرانی مدون گشته است، مثل: هزار افسان و سند باد نامه و داستانهای سایر ملت ها به پهلوی ترجمه شده اند، مثل: بلوهر و بوذاسف و اسکندرنامه و کلیله و دمنه .

هدف قصه ها

هدف اصلی در نگارش اغلب قصه های عامیانه ،سرگرم کردن ومشغول ساختن خواننده وجلب توجه او به کارهای خارق العاده وشگفت انگیز چهره هایی است که نقش آفرین رویدادهای عجیب هستند .وهمچنین ملزم کردن مخاطب به پایان بردن قصه است؛ در کنار این هدف اصلی در حقیقت هدف دیگر قصه ها ، ترویج اصول انسانی و برادری و برابری و عدالت اجتماعی است .البته قصه هایی هم مانند قصه های کودکان ،هدفی جز سرگرم کردن ندارند.

هدف قهرمان قصه ها اکثراً مبارزه با ظلم و ستم است و در این راه به پیروزی می رسند . قهرمانان اکثراً از نژاد اصیل و آزاده و پادشاه زاده اند . اکثر این قهرمانان خوش اخلاق و زیبارو و آگاه به همه علوم زمانه هستند ، این قهرمانان می جنگند و با تحمل مصائب و رنجهای بیشمار به زودی به پیروزی می رسند .

" جایگاه قصه نزد انسان ها موجب شده تا قالب قصه در ادیان ، ابزاری برای ابلاغ پیام های الهی و دشوارترین و عبرت آموزترین پیام ها شود . در دنیای امروز نیز قالب قصه به عنوان موثرترین پیام ها به کار گرفته می شود . نویسندگان برای بیان اندیشه های نو و ارایه ی نظریه های فکری فیلسوفان و متفکران هر جامعه آن ها را با زبان ساده در قالب قصه برای مردم مطرح می کنند."[2]

---

[1] . ادبیات داستانی ، جمال میر صادقی ، چاپ سوم ، بهار ۱۳۷۶ ، ص ۴۴

[2] . نقش و کاربرد قصه در ادب فارسی ، ژاله آموزگار ، انجمن ادبی شفیقی، سایت د.

ویژگی های عمده قصه ها :

در هر قصه ای ما با قهرمان و ضد قهرمان مواجه هستیم . قهرمان، شخصیتی است اصیل ، زیبارو ، بی نیاز از مال و ثروت ، دلاور ، خستگی ناپذیر و معتقد به سرنوشت تغییر ناپذیر.

ضد قهرمان ، کسی است که فاقد این خصوصیات قهرمان باشد . غالباً این شخصیت خنده آور،منزوی،دست وپا چلفتی ومطرود است. رکن اساسی و بنیادی هر قصه ،حادثه است ؛حوادثی که در آنها خواننده با سایر خصوصیات قصه برخورد می کند :

۱ . خرق عادت :

خرق عادت یعنی خلاف عادت ، یعنی آنچه با محسوسات عقلی و تجربیات حسی و عینی جور در نمی آید. حیوانات حرف می زنند؛ هم با خود هم با انسان. مثلاً در هزار و یک شب در قصه دهقان و خرش، خر و گاو با هم حرف می زنند و دهقان هم حرفهای آن ها را می شنود که این قابل قبول در عالم واقع نیست. نمونه های دیگری مانند : بیرون آمدن غول از کوزه ای در حکایت صیاد ، به صورت سنگ در آمدن انسان در حکایت عبدالله فاضل.

۲ . پیرنگ ضعیف :

پیرنگ ، رابطه علت و معلولی بین حوادث است . در قصه ها این رابطه معقول و منطقی نیست و حوادثی که در این قصه ها اتفاق می افتند قابل قبول برای خواننده نیستند زیرا با تجربیات عینی و مشاهدات حسی او مطابقت ندارند . یعنی در حقیقت رابطه ی علی در این قصه ها نادیده گرفته می شود.

شناخت انسانها از مسائل هر دوره ، پیرنگ داستانها را به وجود آورده است . حوادثی که امروز پذیرفتنی است ، ممکن است در آینده قابل قبول نباشد و یا بالعکس . مثلاً همین رابطه نزدیکی که میان انسان و حیوان در قصه ها وجود دارد ، برای انسان دیروزی قابل قبول بوده است . مثل قصه بخشش سگ در هزار و یک شب (ج ۲ ، ص ۴۶۵).

۳ . مطلق گرایی :

مبانی جهان بینی در قصه ها عموماً بر مطلق گرائی استوار است ، یعنی قهرمانهای قصه یا خوبند یا بد . حد میانی وجود ندارد . قهرمان خوب با پلیدی ها و ظلم و ستم می جنگد و وقایع و حوادث را بوجود می آورد .

۴.کلی گرایی و نمونه گیری :

در قصه ها ، قهرمانان قصه آدم های عادی نیستند بلکه عموماً نمونه های کلی از خصلتهای عمومی بشر را عرضه می کنند . در قصه ها به جزئیات نمی پردازند فقط به شرح کلیات اکتفا می کنند . به خصوصیت شخصی ، درونی و روحی شخصیت ها توجه نمی شود ، شخصیت ها نمونه های کلی هستند از دلاوری ، بخشندگی ، حماقت ، ریاکاری و ... . مثلاً زنان جوان مثل خوبی و معصومیت و پاکیزگی و زیبایی هستند . و زنان پیر بر عکس اینها ، نمونه حیله گری و جادوگری محسوب می شوند.

در هزار و یک شب عجوزه ها اغلب حلال مشکلات و دلال محبتند و عاشق و معشوق را به وصال هم می رسانند .

۵ . زمان و مکان :

در قصه ها زمان و مکان واقعی نیستند بلکه فرضی و تصوری اند . و با حدس و گمان می توان فهمید که قصه مربوط به چه دوره ای و در چه مکانی روی داده است .

شاید در بعضی قصه ها به اسم شهر یا زمانی خاص اشاره شود ، اما این کشور یا شهر مفروض او جنبه تمثیلی ندارد و زاده فکر و اندیشه ای نمادین نیست . شاید ترس از حکام وقت سبب شده که آفریننده قصه ، مکان قصه را در جای دیگری غیر از کشور خود قرار دهد .

" زمان در هزار و یک شب ناشناخته است . در هزار و یک شب زمان سیال ، با قابلیت شکل یابی به انواع صور و اشکال می باشد .

کتاب ، نخست وانمود به زمان مند بودن می کند. ما بر ترتیب و توالی : شب یکم ، شب دوم ، شب سوم و الی آخر روبه روییم . با همین وانمود گول زننده پا به دنیای متن می گذاریم .

زمان مند بودن ، همواره با کلیت دارای رابطه مستقیم است . اثر زمان مند ، اثری یکپارچه به نظر می آید . در گام نخست هزار ویک شب نیز چنین می نماید . این زمان مندی تنها ما را گمراه خواهد کرد . "[1]

درهزارویک شب مکان هم ناشناخته است.اگرچه دربعضی از حکایتهابه مکانهایی اشاره شده است؛امادرحقیقت خیالی وفرضی اند نه واقعی.مثلا« با آنکه بغدادصحنه ی داستان حمال وسه دختر یاچنانکه فرنگیان می گویند"داستان باربروسه بانوی بغدادی"است وممکن است داستان در آن شهرودرروزگارعباسیان تالیف شده باشد، امااحمقانه است اگر تصور کنیم که صحنه حوادث داستان واقعادربغداد بوده است؛دست کم خود داستان نشان می دهد که بایستی در جای دیگری بازنویسی شده باشد؛زیرا جای شک وتردید نیست که مقدار بیشتری از کالا های خریداری شده ی موجود در سبد خرید که حمال در آغاز داستان حمل می کند،محصول وفرآورده های شام است(مانند سیب شامی،به عمانی،انگور حلبی و...)واینکه هیچ یک از این

---

[1] . کتاب ماه هنر ، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴ ، کتاب شین ، سروش مظهر مقدم ، ص ۱۲۷.

۲.تحلیلی از هزارویک شب،رابرت ایروین،ص۹۴.

خوراکیها و محصولات از عراق یا نقاط دورتر مشرق سرزمینهای اسلامی نیست ،خود سوء ظن ما را که جای حادثه در بغداد باشد بر می انگیزد.»۲

۶ . همسانی قهرمان ها در سخن گفتن :

قهرمانان قصه را نمی توان از نحوه سخن گفتنشان شناخت ، در قصه بین گدا و شاهزاده و لشکری و ادیب و ... از لحاظ سخن گفتن و نحوه سخن گفتن فرقی نیست ، همگی به یک گونه حرف می زنند ، زنان مانند مردان و کودکان مانند بزرگسالان حرف می زنند و تنها تفاوت در چابکی و توان و طرز رفتار آنهاست . مثلاً در هزار و یک شب اگر به گفته های زیر دقت کنیم :

الف : اگر امروز به من سختی رسید ، انشاءالله فردا خدای تعالی گشایش عطا کند .

ب : اگر تو از او در گذشتی من از او در نخواهم گذشت .

بدون اتکاء به متن قصه های هزار و یک شب ، نمی توان گویندگان این جمله ها را حدس زد . در قصه ها آدمها با یک زبان و لحن حرف می زنند اما در دنیای امروز از نحوه ی حرف زدن هر فردی کم و بیش می توان از جنسیت ، شخصیت ، تحصیلات ، منش و طبقه ای که به آن تعلق دارد با خبر شد.

۷ . ایستایی :

بر اساس نظر اکثر نویسندگان در قصه ها شخصیت ها دچار تحول نمی شوند و خصوصیات آنها تغییر ناپذیر است . شخصیت ها در آغاز و پایان قصه یکی هستند و با وجود گذشت زمان و اتفاق های فراوان ، شخصیت ثابت است و هیچ دگرگونی در آن رخ نمی دهد ؛ اما در هزار و یک شب گاهی ما با خلاف این مورد برخورد می کنیم ، قهرمانها دچار تحول و دگر گونی می شوند. مثلاً در حکایت زن پرهیزگار (ص۱۱۳۸) برادر قاضی که مردی پست و فاسد است بعد از بیمار شدن ، توبه می‌کند و تا آخر عمر در صومعه به عبادت می‌نشیند .

۸ نقش سرنوشت :

تقدیر و سرنوشت در قصه ها نقش اساسی دارد . قهرمان قصه تسلیم محض سرنوشتی است که از آن گریزی نیست و گاهی هم خود قهرمان مقدمات مرگ خود را ایجاد می کند .

در هزار و یک شب ، اگر سند باد بحری به ثروت رسیده است ، تقدیرش اینگونه بوده است ، محمد تنبل هم با وجود تنبلی و تن پروری چون تقدیر می خواهد ، به مال و ثروت زیادی می رسد .

۹ . شگفت آوری :

قصه ها علاوه بر سرگرم کردن خواننده ، سعی دارند که او را به شگفتی وا دارند و با بیان حوادث و ماجراهای غیر عادی باعث تعجب بیشتر مخاطب می شوند .

دلیل این امر شاید از آنجا ناشی شود که در اصل قصه ها برای گفتن و نقل کردن ایجاد شده اند نه برای نوشتن ؛ در وهله اول هدف جلب توجه شنونده بوده بعد در طول زمان به صورت مکتوب در آمده اند .

در قصه های هزار و یک شب اعمال خارق العاده زیادی رخ می دهد که مورد قبول هیچ عقل سلیمی نیست. به عنوان نمونه : " چون سیده بدور شعر به انجام برسانید ، در حال برخاست و پای دیوار بنهاد و به توانایی هر چه تمامتر زور به زنجیر زد و زنجیر از گردن بگسلانید و سلسله های دیگر از خود بگشود "[1] یا : مردن چهار قاضی و حیران شدن چهل راهب در عشق زین المواصف در حکایت مسرور بازرگان .عمر طولانی شخصیت های قصه ها هم از عوامل شگفت آور در قصه های هزار و یک شب است .

۱۰. استقلال یافتگی حوادث (اپیزودی) :

در قصه های بلند حوادث استقلال یافته ای وجود دارند که در عین استقلال رابطه ی غیر مستقیم با همدیگر دارند و پیرنگ ابتدایی قصه های بلند را به وجود می آوردند .

در هزار و یک شب ، قصه ها ، ضمن روایت قصه در قصه استقلال خود را حفظ می کنند . در این کتاب قصه های تو در تو فراوان است و عموماً در طول قصه اصلی ، قصه هایی به میان می آیند ، ماجرا و حوادث خود را عیان می کنند ، به آخر می رسند و ما باز به سراغ قصه اصلی می رویم و البته گاه همین قصه های فرعی هستند که جوهره قصه را می سازند و در واقع ماجرای اصلی تنها نخی است که این قصه های فرعی را به هم می چسپاند . برجسته ترین مثال در این باره همین قصه های هزار و یک شب است . نخ نامرئی این قصه و قصه های دیگر این ماجرای بلند ، حکایت مرگ دختران به دست پادشاه و استمداد از قصه برای زنده ماندن شهرزاد و دیگران است . مقدمه ای کوتاه در وصف پادشاه و دلیل مرگ دختران به دست او می آید و بعد شهرزاد قصه گو پا به قصه می گذارد و قصه ای از پس قصه ای دیگر روایت می شود . قصه هایی که به رغم در دل ماجرایی دیگر قرار گرفتن، کامل و مستقلند.[2]

۱۱. کهنگی:

قصه ها دارای معنا و مفهوم و مضمونی کهن هستند. مضمون آن ها نمی تواند نو باشد. این قصه های منعکس کننده آداب و تمدن و عقاید و خرافات مردم قدیم است و گاه گاهی هم به اشتباهاتی در تاریخ و

[1] .هزار و یک شب ، تسوجی ، جلد اول ، ص ۶۵۶.

[2] . ریخت شناسی قصه های قرآن، محمد حسینی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۱، ص ۳۸.

جغرافیای این قصه ها بر می خوریم. چون این قصه ها دهن به دهن نقل شده و در هر مرحله گذر با تغییری مواجه شده‌اند.

انواع قصه

آقای میر صادقی در تقسیم بندی انواع قصه، قصه را کل گرفته اند و انواع آثار خلاقه ای را که پیش از مشروطه در ایران رواج داشته است، گونه های آن به حساب آورده اند.

مهمترین این گونه ها عبارتند از:

افسانه تمثیلی (Fable):قصه های کوتاه درباره ی حیوانات.

حکایت اخلاقی (Prable) : شخصیت های آن بر خلاف افسانه تمثیلی انسانها هستند وبرای ترویج اصول مذهبی ودرس های اخلاقی نوشته می شوند.

افسانه پریان (Fairy tale) :قصه هایی درباره ی جن ،اژدها ،پری ودیگر موجودات ما فوق طبیعی وجادوگران.

افسانه پهلوانان (Heroes tale) :قصه هایی که در آنها از نبرد میان پهلوانان واقعی،تاریخی وافسانه ای صحبت می شود.

اسطوره(Myth) :قصه هایی درباره ی خدایان و موجودات فوق طبیعی که ریشه اصلی آنها اعتقادات دینی مردم قدیم است.

سه خصوصیت عمده قصه ها یعنی خرق عادت،پیرنک ضعیف و کلی گرایی ونمونه کلی، بر یکایک آن ها صادق است اما هرکدام خصوصیات خاص خود را دارند.

قصه های عامیانه (folk Tale):

به قصه های کهن اطلاق می شود که به صورت شفاهی یا مکتوب در میان هر قومی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است.

« قصه هایی که حاوی سرگذشت و ماجراهای شاهان و امیران و بازرگانان و مردان و زنان گمنامی است که بر حسب تصادف با وقایع عبرت انگیز و حکمت آموز و حوادث شگفتی روبه رو شده اند. این قصه ها به زبان ساده و رایج روزگار بازگو شده اند.» [1]

این قصه ها ممکن است خیلی کوتاه باشند مثل قصه های خاله سوسکه و یا خیلی بلند باشند مثل قصه های هزارویک شب.

[1] . ادبیات داستانی، جمال میرصادقی، ص ۹۸.